



مادران در خط مقدم

سهمی که باید به کودکانمان
آموزش بدهیم

حمیده زمانی در روزهای پسا جنگ و بحران، کودکان فقط اخبار نگران کننده را تجربه نمی کنند، آن ها واکنش بزرگ ترها، به ویژه مادران، را نیز با دقت می بینند و درونی می کنند. برای کودک، چهره نگران مادر، گفت و گوهای آشفته در خانه یا حتی سکوت های طولانی، می تواند به اندازه خود بحران معنا داشته باشد. به همین دلیل، نقش مادر در چنین شرایطی تنها مراقبت روزمره نیست؛ او به مهم ترین تنظیم کننده فضای روانی خانه تبدیل می شود. مادری که بتواند در دل اضطراب، ثبات، معنا و مشارکت را به خانه بازگرداند، در واقع در حال تربیت نسلی است که در برابر بحران، منفعل و درمانده نمی شود.

بحران چگونه وارد روان خانه می شود؟

بحران ها پیش از آنکه در خیابان یا میدان ها دیده شوند، به درون خانه ها راه پیدا می کنند. کودکان معمولاً نخستین نشانه های بحران را از طریق تغییر حال و هوای بزرگ ترها می فهمند: تماس های مضطربانه، پیگیری مداوم اخبار، گفت و گوهای نیمه تمام و نگاه هایی که نگرانی در آن ها پیداست. در چنین شرایطی، کودک فقط خود حادثه را تجربه نمی کند؛ او هم زمان شیوه مواجهه والدین با حادثه را نیز می آموزد. اگر فضای خانه آکنده از اضطراب، شایعه و پیش بینی های فاجعه آمیز باشد، ذهن کودک به تدریج جهان را مکانی کاملاً نا امن و غیر قابل پیش بینی تصور می کند. در مقابل، مادری که با وجود نگرانی، واقعیت را می پذیرد، لحن خود را کنترل می کند و برای امور روزمره خانواده برنامه دارد، به کودک نشان می دهد که حتی در روزهای سخت هم می توان از هم نپاشید.

